

## جنبش سراسری کارگران برای افزایش دستمزدها، یک ضرورت طبقاتی!

بنا به گزارش خبرگزاری های حکومتی تا کنون سومین جلسه شورای عالی کار رژیم با حضور نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی، نمایندگان دولت و نمایندگان تشکل ها کارگری وابسته به دولت به منظور تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ برگزار شده است. در این جلسات سه جانبه که در واقع همه در جبهه سرمایه داران قرار گرفته اند و از حضور نمایندگان واقعی کارگران در این مذاکرات خبری نیست قرار است، قیمت فروش نیروی کار کارگران ایران در سال آینده را تعیین کنند. بر پایه گزارش ها از آنجا که در لایحه جنجالی بودجه ۱۴۰۲ حقوق کارمندان معادل هفت میلیون تومان تعیین شده است، فشار نمایندگان دولت و کارفرمایان بخش خصوصی در این جهت متمرکز شده است که حقوق کارگران هم نباید از این فراتر برود. همچنین نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی خواستار آن شده اند که هزینه مسکن از سبد معیشت کارگران حذف گردد، این در حالی است که هزینه مسکن حداقل ۵۰ درصد دستمزد کارگران را به خود اختصاص می دهد. همزمان سخنان نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی مبنی بر اینکه «مزد کارگران امسال در بهترین حالت تنها ۲۰ درصد افزایش خواهد داشت»، نشان می دهد که دولت و مجلس و کارفرمایان بخش خصوصی برای تحمیل دستمزدهای حداقل سه مرتبه پایین تر از خط فقر به طبقه کارگر ایران دست به دست هم داده اند. تجربه نشان داده است که نمایندگان تشکل ها کارگری زرد وابسته به دولت نیز سرانجام با غرو لند کردن به تصمیمات دولت و کارفرمایان بخش خصوصی تن خواهند داد.

این نمایش چانه زنی بر سر افزایش حداقل دستمزد و فشارهای مضاعف دولت و کارفرمایان بخش خصوصی برای تحمیل دستمزدهای سه مرتبه پایین تر از خط فقر به کارگران در حالی است که بنا به آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه دی ماه ۱۴۰۱ برای خانوارهای کشور به ۴۶.۳ درصد رسیده است. اما نرخ تورم واقعی کالاهای مورد نیاز خانواده های کارگری بالاتر از این است. بر اساس گزارش



## پروژهی قیمومیت سلطنت، توهینی به جنبش انقلابی!

## خیزش انقلابی ایران، چشم اندازها و نقش زنان و طبقه کارگر!



پلاتفرم  
شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست  
در کردستان

## راه حل کومه له

برای پایان دادن به ستمگری ملی در کردستان!

پژاک در توهم دمکراتیزه کردن اسلام سیاسی  
و پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه!

## گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له



## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق  
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس  
خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً  
برای این نشریه ارسال شده باشد را  
چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر  
ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان  
امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه  
کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر  
قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد  
فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف  
مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز  
۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات داخل کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193  
0046760854015  
004799895674  
00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات  
داخل کومه له (تکشی)

takesh.komalah@gmail.com

گیرد. با توجه به شگردها و تلاش سرمایه داران برای پایین نگاه داشتن حداقل دستمزدها است که تعیین حداقل دستمزدها متناسب با هزینه تأمین یک زندگی انسانی و تعیین حد و مرزی برای سرمایه داران در پایین نگاه داشتن دستمزدها به یکی از مطالبات محوری کارگران و به یکی از گره گاههای جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. بخش پیشرو جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از جنبش طبقه کارگر در سطح جهان با این هدف که کم درآمدترین بخش طبقه کارگر نیز بتواند با توجه به سطح تورم واقعی و افزایش قیمت ها، زندگی خود را تأمین نماید بر افزایش حداقل دستمزدها متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی تأکید می کند.

در ایران در کشمکش بین دو طبقه اصلی جامعه، سرمایه داران و صاحبان صنایع و دولت به عنوان خریداران نیروی کار با تکیه بر وجود ارتش عظیم بیکاران می کوشند تا دستمزد کارگران را تا سرحد امکان پایین بیاورند و دفاع از هر چه سودآورتر شدن سرمایه های خود را حق بی چون و چرای خود می دانند. کارگران هم حق خود می دانند که در برابر عرضه نیروی کارشان دستمزدی را مطالبه کنند که با توجه به نرخ تورم واقعی در جامعه و ملزومات تأمین یک زندگی انسانی در قرن بیست و یکم بتوانند زندگی خود و خانواده شان را تأمین نمایند. در اینجا میان حق سرمایه دار و حق کارگر یک تعارض آشکار و همیشگی وجود دارد و زور است که حکم می کند. رژیم جمهوری اسلامی فعلاً و در توازن قوای کنونی با ضرب قانون و با تکیه بر نیروی سرکوب این تعارض را به نفع سرمایه داران حل کرده است. در شرایط کنونی اگر چه بدون تشکل های طبقاتی و مستقل کارگری، کارگران برای تحمیل اراده طبقاتی خود در تعیین حداقل دستمزدها به سرمایه داران و دولت شان با دشواری های زیادی روبرو هستند. اما امسال با گذشت بیش از چهار ماه از جنبش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا آغاز شد توازن قوا عمیقاً به زیان حکومت اسلامی سرمایه داران تغییر کرده است. فعالین و پیشروان جنبش کارگری در این توازن قوای جدید، با تکیه بر تجارب ارزنده ای که در سازماندهی اعتصابات و اعتراضات شکوهمند کارگری داشته اند و نیز با تکیه بر این واقعیت که مبارزه برای افزایش دستمزدها از مقبولیت اجتماعی برخوردار است، می توانند تدارک یک جنبش سراسری برای افزایش دستمزدها در اولویت کار خود قرار دهند.

روزنامه دنیای اقتصاد نرخ تورم خوراکی ها در آبان ماه حدود ۷۰ درصد، نان و غلات بیش از ۷۴ درصد و برای گوشت قرمز و ماکیان بیش از ۶۴ درصد ثبت شده است. شیر و پنیر و تخم مرغ رشدی بیش از ۸۱ درصد و روغن ها و چربی ها نیز حدود ۲۵۰ درصد افزایش قیمت داشته اند. شورای عالی کار رژیم در شرایطی تحمیل دستمزدهای سه مرتبه پایین تر از خط فقر را تدارک می بیند که نرخ دلار از مرز ۴۱ هزار تومان عبور کرده است. افزایش روزانه قیمت دلار و سقوط تومان در همانحال که درماندگی دولت رئیسی در مدیریت اقتصادی را نشان می دهد تأثیر مستقیمی بر افزایش نرخ تورم دارد. از سوی دیگر شورای عالی کار در حالی بر افزایش ۲۰ درصدی دستمزدهای تأکید می کند که بنا به گفته حمید حاج اسماعیلی، کارشناس بازار کار: «دولت و بخش رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خط فقر را برای کلانشهرهایی مثل تهران در حدود ۱۵ میلیون تومان تعیین کرده است». همچنین حسن صادقی «رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری» و از هواخواهان دولت نیز با استناد به محاسبه ای توسط یک مدرس اقتصاد، سبد معیشتی برای یک خانواده ۳.۳ نفری را ماهانه ۲۴ میلیون تومان اعلام کرده است.

با توجه به این تورم افسار گسیخته، افزایش قیمت دلار و سقوط هر روزه دستمزدها، اگر حداقل دستمزد کارگران سه برابر یعنی ۳۰۰ درصد هم افزایش یابد باز هم به خط فقر نمی رسد. با توجه به همین واقعیات است که تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری هزینه تأمین سبد معیشت کارگران را بالای ۲۵ میلیون تومان تخمین زده اند زیرا بخش اعظم حقوق کارگران به هزینه اجاره بها مسکن اختصاص داده می شود. بنابراین حداقل دستمزدها نباید از ۲۶ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

چانه زنی بر سر تعیین حداقل دستمزدها در شورای عالی کار رژیم در حالی ادامه دارد که حداقل دستمزد تعیین شده از جانب این نهاد سرمایه داری هیچگاه تناسبی با هزینه های زندگی خانواده های کارگری نداشته است. امسال نیز دولت و نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی همچنان تورم و افزایش هزینه تولید را دستاویز و بهانه ای برای مخالفت با افزایش دستمزد کارگران قرار داده اند و می گویند اگر دستمزد کار افزایش یابد هزینه تولید بالا می رود؛ در حالی که در ایران بنا به نتایج پژوهش های منابع مستقل از دولت دستمزد کارگر کمی بیشتر از ۶ درصد و در بهترین حالت ۱۰ درصد هزینه تولید را در بر می

## پروژهی قیومیت سلطنت، توهینی به جنبش انقلابی!

آموزشکده توانا است که می‌گوید: «ما فاندوم (پشتوانه‌ی مالی) خود را از وزارت‌های امور خارجه‌ی آمریکا کارمان را آغاز کردیم، هنوز هم از وزارت امور خارجه آمریکا پول می‌گیریم، از ند آمریکا- از هلند، گوگل و... پول می‌گیریم».<sup>(۱)</sup> این نهاد سیاسی و لابی ضدانقلابی، ققنوس، فرشگرد و... ماهیت این گرایش سطر طلب را بازگو می‌کنند.

افراد تحت تکلف مجازند که رضا پهلوی که در این ۴۳ ساله نه دانشی اندوخته و نه کار و حضور مثبت و مفیدی داشته و تمام وقت، سرگرم عیش و اسپیکولاسیون یا بورس و سهام بازی بوده را در کارزاری «توتی» کفیل خود بخوانند، اما نه به کفالت برای فروش «تمامیت ارضی» و قیومیت بیش از ۸۰ میلیون حکومت شونده و به‌پاخاسته در ایران و جهان. برای اعلام این کفالت بود که سلف دو کودتای امپریالیستی برای مصادره جنبش جاری، ناگهان به پروپاگاندا پرداخت و در یک آگهی تبلیغاتی در تلویزیون «من و تو» ظاهر شد. این‌ها نه همانند آن کسی که موش به دیگ آتش انداخت و گفت: «من هم شریک» یا به زبانی «اَنه شریک»، می‌گوید «تمامیت ارضی» ارث پدری من است، چون دوندل من با قلدری و کودتای امپریالیستی صاحب «ایران زمین» شدند.

او که دو سه سال پیش که از پشت مانیتور بورس و بازار سهام، به بازار سیاست آورده شد و خود را فردی مانند همه مخالفین خواند، از دیروز به اصل خود بازگشت و جامعه‌ی به‌پاخاسته را تهدید کرد که: «خط قرمز او حفظ تمامیت ارضی است». با چنین ادعایی، وی خود را صاحب «تمامیت» ایران خواند، بدون آنکه کوچکترین حق و حقوقی برای ملیت‌های ایران، یعنی صاحبان اصلی این سرزمین به رسمیت بشناسد؛ زیرا که مفهومی به نام ملیت را به رسمیت نمی‌شناسد. با چنین آغازی است که صدای پای فاشیسم شنیده می‌شود؛ اما فاشیسمی که فاقد پایگاه توده‌ای و برهه‌ی خمینیسیم است. با گذشت بیش نزدیک به نیم سده از انقلابی که جباریت پادشاهی را منسوخ کرد، بازگشت سلطنت غیرممکن شده است، اما خطر قدرت‌یابی گزینه‌ی استبدادی به پشتوانه‌ی سرمایه جهانی موضوعی است که باید جدی گرفته شود.

ناشدنی گردیده است. در ایران و کشورهای پیرامونی با ساختار استبداد آسیایی، ضلع سوم یا «جامعه مدنی» خودویژه‌ی کشورهای مدرن کاپیتالیستی که هرگز به وجود نخواهد آمد- جز استبداد مطلق یا سوسیالیسم- گزینه‌ی دیگری در برابر ندارند!

### وکالت یا کفالت!

لازم است که به کوتاهی به بازنگری مفهوم‌های وکالت، قیومیت، کفالت و نیابت و بیعت بپردازیم: وکالت (Advocacy) از سوی فرد یا افرادی به کسی داده می‌شود که از نظر حقوقی و مالی از سوی موکلان در موضوعی نمایندگی و اختیار تام داشته باشد. اما، موضوع نیابت (Proxy) یا اقدام به‌جای دیگری و خلیفه‌گری و کفالت (deppandet) و قیومیت سرپرستی معنا می‌یابد. قیومیت کبیر بر صغار و عاقل بر دیوانه، شبان بر رمه، ولایت امام بر امت، استعمارگر بر مستعمره، ولایت مرد بر زن و آنچه در سنت اسلام و خمینیسیم بر جامعه تحمیل شده و می‌شود، برمی‌خیزند. پروژه‌ی «وکالت می‌دهم» مسخ وکالت به معنای دقیق آن است. پشت عوامفریبی «وکالت می‌دهم» در عمل، سپردن سرپرستی خود به نمادی مشخص به نام رضا پهلوی که از سوی هواداران و خویش، خود را شاهزاده، وارث سلطنت و رهبر می‌نامد و برای گفتگو با دولت‌ها، برای ماموریت ویژه، پناه گرفته است. پروپاگانداها و گفتگوهای پنهانی با دولت‌ها و «آیات عظام» از ایران، سپاه، دفتر آیت‌الله سیستانی و... ماهیت این کفالت و قیومیت و ولایت‌گری را تعیین می‌کند. بنابراین «وکالت می‌دهم» یک پوپولیسم توهین آمیز به جنبش انقلابی جاری است. رضا پهلوی در عمل نه وکالت، بلکه قیومیت، ولایت و نیابت را در این بازی سیاسی به عهده گرفته است.

### «گداها نمی‌توانند انتخاب کننده باشند»

«گداها نمی‌توانند انتخاب‌کننده باشند، برای ایرانیان مناسب است» از سوی این باند، ماهیت این قیومیت ارباب - رعیتی عصر قاجار را برملا می‌سازد. در توجیه کفالت به رضا پهلوی، مریم معمار صادقی، صادقانه، ماهیت ضدانقلابی سطن طلبان است. وی برپاکنده

پروژه‌ی «وکالت می‌دهم» در چهارمین ماه جنبش انقلابی هنگامی در دستور ضد انقلاب بورژوازی و ساماندهی بورژوازی سلطنت طلب قرار داده شد که چشم انداز فروپاشی حکومت اسلامی برای قدرت‌های سرمایه جهانی به امری جدی تبدیل شده است. این پروژه را نبایستی به ابتکار و خودجوشی شخص رضا پهلوی و یا تعدادی سلطنت طلب محدود کرد. این پروژه هرچند با نام رضا پهلوی رونمایی شده، اما رهبری فردی وی را پی نمی‌گیرد، زیرا برنامه‌ریزان آن، رهبری فردی رضاخان سالاری و خمینستی را به این ارزیابی ساده ناشدنی می‌دانند که جامعه و سطح آگاهی جنبش، انقلابی‌تر از آن است که در پی سرنگونی، سلطگی خودکامگی فردی را بپذیرد. این بخشی از بورژوازی در اپوزیسیون و درون حکومت اسلامی است که برای تداوم مناسبات حاکم و سلطه طبقاتی و سیاسی خویش به تکاپو افتاده‌اند. این بخش از بورژوازی ایران از سوی بیشتر قدرت‌های مهم سرمایه جهانی پشتیبانی می‌شوند و امنیت این مناسبات را زیر نام سلطنت و پرچم سه رنگ و شیر و شمشیر بهترین گزینه ارزیابی کرده‌اند. شیری که با شمشیری زنگار زده و نماد نرینه برای سلطه بر جنگل به میدان آورده می‌شود و با وزش باد به تکان در می‌آید. رژیم چنج با انتخاب مفهوم «براندازی» سکت سلطنت طلب که آگاهانه ورد زبان آن‌هاست- در برابر سرنگونی انقلابی مورد نظر طبقه کارگر، پروژه‌ی جابجایی را پی می‌گیرد و نه مناسبات فلاکت‌بار برده‌داری حاکم. رهبری فردی در سرزمین‌های فاقد ساختار معمول جامعه‌های «مدنی» تاکنون تجربه‌ی استبداد سلطنتی و اسلامی را تا مرز تباهی جامعه و منطقه به بار آورده است. اینک پروژه‌ی «وکالت می‌دهم» آن سوداست تا با یک نماد بی‌فروغ، استبداد مطلق سیاسی-طبقاتی در حال فروپاشی حاکم را با استبدادی دیگر جایگزین سازد.

لازم به اشاره است که «جامعه مدنی»، ضلع سوم [حکومت- مناسبات طبقاتی -جامعه مدنی] است که در جوامع کلاسیک حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه، در سده ۱۹ میلادی ساختاری متعارف داد. چنین ساختاری در کشورهای پیرامونی در دوران امپریالیستی سرمایه از سال‌های ۱۹۰۰ تا اکنون حاکمیت گلوبالیزاسیون با ویژگی ایدئولوژیک نئولیبرالیستی آن، دیگر





عده‌ای مشاور و سلبیتی و کسانی که با مچ‌بند سبز سید حسینی خادم دیگ عاشورا بودند، ریزشی‌های حکومت اسلامی، ساواکی‌های بازنشسته و فرسوده و تنی چند از مطبوعات‌چی‌های برگمارده شده‌ی سابق شاه سابق و سرمایه‌داران دلال و الیگارش سلطنتی هویدا شده‌اند. اینان که در این ۴۳ سال بین ایران و غرب در سفر و دلالی بوده‌اند، در محور «آرکئو تایپ سلطنت» ارزش مصرف پیدا کرده‌اند. اینها مختارند تا با گریم و دیالوگ‌های جدید در لوکی‌شن‌هایی که سرصحنه تعیین می‌شوند آکتوریسم خود را بازی کنند. اینان، مختارند تا به رسم بیعت، قیمومیت خود را به یک قیم که شیر جنگلی نرینه و شمشیر سمبل اوست، بسپارند. باین نگرش، خواهی نخواهی، شبان رمه‌گی آنان مختارند که کفالت و سرپرستی خود را به هرکسی بسپارند تا تعیین تکلیف شوند، اما مجاز نیستند تا کفیل خود را برای معامله با دولت‌ها

و قدرت‌های جهانی سرمایه به‌سان کفیل و نماینده‌ی جامعه معرفی کنند.

فراخوان نیروی تروریستی و سرکوبگر سپاه- این خونبارترین ماشین سرکوب حکومت اسلامی سرمایه، فراخوان به «مدیران» و «بورکرات»‌های کنونی در خدمت حکومت اسلامی در مصاحبه رضا پهلوی و انکار ملیت با فراخوان «سران و بزرگان ایلات و عشایر و طوایف ایران، از لر و بختیاری و کرد و بلوچ تا عرب و قشقایی و ترک و ترکمن می‌خواهم...» و اعلام تماس دفتر آیت‌الله سیستانی از نجف و آیاتی از قم از سوی رضا پهلوی از زبان الله‌یار کنگرلو، مشاور وی در گزارشی در روز ۲۷ ژانویه ۲۰۲۳ گویای طرح به‌شکست کشاندن جنبش انقلابی به ویژه زنان و طبقه کارگر به شیوه مشروعه‌سازی مشروطه و به پیرو آن به قدرت رسیدن اسلام سیاسی در سال ۵۷ است. پرسش اینجاست که آیت‌الله سیستانی و آیات مرتجع قم در تماس با پروژه‌ی کفالت که خود را در این شرایط به مداخله‌گری ملزم ساخته‌اند در پی چه سودایی هستند؟! این وارث کودتاها، روشن نمی‌سازد که از کدام دفتر سیستانی، نجف، مشهد یا قم که روح‌الله زم را از فرانسه به سودای ۱۵ میلیون یورو به عراق کشانید و به جلاّد سپرد با وی تماس گرفته شده است؟ اینان مجازند که هر پاسدار و «مدیر» حکومتی و آیت‌الهی که می‌خواهند روی آورند و بر هر قبله‌ای پیشانی بیاساند، اما مجاز نیستند که به



نیابت جامعه‌ی به پاخاسته به مصادره مامور شوند و کفالت دهند تا دیگران سرنوشت یک جنبش انقلابی- تاریخی را به مصادره بگذارند. اینان حتی فکر نمی‌کنند که جامعه‌ی جهانی را به شگفتی و ستایش واداشته، اجازه نمی‌دهد تا سرنوشت جنبش انقلابی‌اشان در کریدورهای دیپلماسی حکومت‌های متروپل و «گوادولوپ» دیگری رقم زده شود. نه آگاهی تاریخی و نه حافظه‌ی تاریخی و نه خون

جان‌فدایان و آرمان تاریخی‌های و نه طبقه کارگر و پیشتازان انقلاب و زنان شکوهمند، چنین اجازه‌ای نمی‌دهند و چنین توهینی را به خود روا نمی‌دارند تا اسلام و امپریالیست‌پناه دیگری خراطی شود و بر سینه‌ی خونین جامعه‌ی درخون نشسته و انقلابی از بلوچستان تا کردستان، از خوزستان تا گیلان و مازندران و تهران و دهلران و سراسر ایران انقلابی بنشانند. اسلام، سلاح حکومت‌های استبدادی در کشورهای اسلامی است. اسلام یک تروما یا زخم تاریخی برگردی تمامی جوامعی بوده است که با اسلام محمدی در مکه و مدینه با زبان شمشیر و کشتار و خونریزی میلیون‌ها انسان به پیش‌برد. این ایدئولوژی، به‌سان سلاح تباهی و اسارت‌آور به همان جامعه‌ی بدوی پیشااسلامی که از اسلامی پیشروتر بود و به ایران ساسانی ویران شده حتا و به دیگر جوامع بشری تحمیل شد، این جوامع را به گودال تاریخ و واپس‌ماندگی افکند.

این‌بار ابزار مصادره‌ی جنبش انقلابی، کودتا زاده‌ای برآمده از دو کودتای امپریالیستی است. او تا همین هفته گذشته مشاوره گرفته بود تا وانمود سازد که فردی «دموکرات» است و همانگونه که در درازای تاریخ همه‌ی خودکامه‌گان پیش از دستیابی به قدرت وعده می‌دادند را تکرار کند. وی پیش از این، به‌سان فرزند «ذکور شاه» وانمود می‌کرد که به سوگند پادشاهی خویش برای سلطنت رویکردی ندارد.

گاهی از جمهوری خواهی و مشروطه‌خواهی نیز سخن می‌گفت، اما این تنها یک تظاهر پوپولیستی بود. با اشاره‌ی سیاستمداران امپریالیستی و بیعت ساواکی‌ها و نیروهای ریزشی رژیم اسلامی به او یادآور شدند که زمان آن رسیده تا قیم شود و او را رضاشاه خواندند. دمکراسی‌های بورژوازی و کفالتی‌ها، با عدد معنا می‌یابند به همانگونه که ادعای ۹۹ درصدی خمینی و دیگر جباران تاریخ، توجیه حاکمیت نیابتی و کفالتی- طبقاتی و خودکامه‌گی خود شمرده شدند. برای فاشیست‌هایی همانند هیتلر و موسولینی، و نیز برای بایدن و پوتین و اردوغان فاشیست، عدد تعیین‌کننده بود.

رضا پهلوی در مصاحبه‌ای فاش می‌سازد که در پی «رهبری با کمک دیگرانی» است: «از نگاه من رهبری این جنبش را من به تنهایی نخواهم داشت و با کمک دیگرانی خواهد بود...» (۲) و

در گفتگو با یکی از کارگزاران رسانه‌ای خود، اعلام کرد با آیات عظام داخلی که و حکومتی و نمایندگانش که از ایران آمده بودند گفتگو کرده است». اسلام پناهی آن هم نوع شیعه‌گری آن تکیه گاه و سلاح حکومتی سلطنت و ابزار نگرشی است که در کمین قدرت است، پیمان با آیات عظام می‌بندد و همین را پشتوانه می‌گیرد که با فراخواندن سپاه پاسداران به عنوان نیروی مسلح خود، با دولت‌ها به معامله بپردازد و «رهبری را با کمک دیگران» به دست گیرد. بی‌گدار نیست که می‌گوید «در برابر اسلام ستیزی، بهتر است این جمهوری اسلامی بماند...» (۳)

پدر رضا پهلوی، با دین پناهی و دین‌خویی و کاربرد دین است که می‌گوید: «همه می‌دانند که الهاماتی به من شده است... در کودکی دو بار به من الهام شده است، یک بار در پنج سالگی و بار دوم در شش سالگی. در نخستین بار من حضرت قائم را دیدم که بنابر مذهب ما غایب شده است تا روزی برگردد و جهان را نجات دهد... من این را می‌دانم زیرا من او را دیده‌ام، نه در رویا، در واقعیت، واقعیت مادی، می‌فهمید؟ ... کسی که همراه من بود او را ندید. و کسی هم جز من نمی‌بایستی او را ببیند، زیرا .... الهامات من معجزه‌هایی بودند که کشور را نجات دادند. سلطنت من کشور را نجات داده زیرا خدا به من نزدیک

➡ بوده است ....» (۴) او پس از برکناری در مصاحبه‌ای می‌گوید «این هم خواست خدا بود». این سخن را سلطان حسین صفوی روزیکه تاج شاهی را از سر برداشت و بر سر محمود افغان گذاشت به زبان رانده بود: «فرزندم! چون اراده قادر متعال بر این قرار گرفته که من بیش از این سلطنت نکنم و به موجب مشیت باری تعالی وقت آن شده که تو از اورنگ سلطنت ایران بالا روی، من از صمیم قلب سلطنت را به تو وا می‌گذارم و از خداوند توفیق تو را می‌خواهم.» به اینگونه، «تمامیت ارضی» به مشیت الله به محمود افغان و اسلامیت‌های خمینی واگذار می‌شود.

## تمامیت ارضی

حفظ تمامیت ارضی، برای تمامی حکومتگران حرف رمز مالکیت تمامیت ارضی است. آنان خود را مالک تمامیت سرزمینی می‌دانند که با کودتا، جنگ، اشغالگری و استبداد و جنایت بر آن حاکم شده‌اند. سلاح حفظ تمامیت ارضی اعلام مالکیت انحصاری هستی، آب، خاک، مردم، دارایی و تمامی طبیعت تلاش‌های تاریخی گسترده‌ی مرزگذاری شده‌ی جغرافیایی که بر آن حکمرانی مطلق می‌خواهند و انکار حق طبیعی هر موجود زنده‌ی آن سرزمین و انکار ملیت‌ها، اتنیک‌ها و سازندگان و تولیدکنندگان و سلب مالکیت از طبیعت و مردم و بقا آن سرزمین در مشارکت در تعیین سرنوشت خویش است. اعمال استبداد و سرکوب به اتهام تجزیه طلبی. رضا پهلوی، مامور می‌شود تا نقشه‌ای بر سینه چسبانیده و جامعه را به تهدید بگیرد که این مواد را خط قرمز خود می‌داند و «یک وجیش» را با جت جنگی پاسداری می‌کند و سالها پیش هم در جنگ به پایین نگاه انداخته است! روشن نیست کدام جنگ! سرکوب آزادیخواهان در ظفار در سال ۱۳۵۲؟ جنگ ۸ ساله‌ی حکومت اسلامی با عراق؟ این ادعای خط قرمز و خلبان جنگی و... نه تنها یک تهدید، بلکه یک اعلام جنگ با ملیت‌های ایران است. ویرانگری و جنایات حکومت اسلامی در نوروز ۵۸ و فتوای ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی علیه حلق کرد و سلاخی‌های خلخال زیر نام مبارزه با «تجزیه طلبی» آغاز شد. «ملک، میهن، آبادی» سلطنت طلبان، همان نسخه‌ی «خدا، شاه، میهن» آریامهری است و شعار «جاوید شاه» در خیابان‌های لندن از زبان لمپن‌ها، یعنی سلطنت جاویدان و همیشگی یک پیشوا که ننگ تاریخی است. سمبل سلطه طلبان، شیر نری است که تنها با وزش باد این سو و آنسوی می‌شود و با شمشیری آخته برای دریدن. شیر، جانوری

شده‌اند. این سیاست، مدافع گذشته است و حرف و خواست بینش سلطه، از زبان رضاپهلوی، خواست‌های جنبش انقلابی جاری نیست، دشمن آن است.

## مفهوم تمامیت ارضی

مفهوم تمامیت ارضی در فرهنگ و موازین بورژوازی در دو محور معنا می‌یابد:

۱- محور بین دولت‌ها، یا حقوق بین‌الملل بنا بر مبانی سازمان ملل که به تعرض و تجاوز کشوری به کشور دیگر. نمونه حکومت ترکیه به شمال و شرق سوریه (روژآوا)، روسیه و اکراین، اشغالگری‌های حکومت اسلامی با گروه‌های نیابتی حزب الله‌های رنگارنگ با شعار صدور انقلاب اسلامی.

۲- و از نگاه قانون اساسی درون کشورهای سرمایه‌داری، تمامیت ارضی در برابر حمله اشغالگرانه کشور دیگری معنا می‌یابد. ارتش این کشورها ابزار چنین دفاعی معرفی می‌شود و نه سرکوب خواست‌های ملیت‌ها.

در دوره رضا شاه و محمدرضا شاه، دستکم هفت منطقه بدون جنگ با درخواست انگلستان و روسیه، ترکیه، عراق، افغانستان واکذار شدند. بیشتر این واکذارها در سال ۱۳۱۶ خ. میان ایران، عراق، افغانستان و ترکیه و انگلستان انجام گرفت. «عدم تعرض»، پیمانی بود، میان رضاخان با آتاتورک و ملک غازی اول پادشاه عراق و محمدظاهرشاه افغانستان که از سوی وزرای خارجه آنها در سعدآباد تهران امضا شد. واکذار آزارت (آغری داغ) به آتاتورک که برای سرکوب خلق کرد و سلطه بر آذربایجان نقش استراتژیک داشت، تجزیه‌ای بود از تمامیت ارضی رضاشاه تقدیم به آتاتورک.

## نفی سلطه و ایجاب رهایی

اندیشه‌ی سلطه گر، ایدئولوژی مناسبات حاکم و سلطه‌گر است، ذهن و تلاش سلطه‌گرانی که به نام سلطنت و مشروطه به راه افتاده‌اند، به مصادره جنبش انقلابی روانه شده‌اند. اینان برای مصادره و دستبرد به جنبش انقلابی، تجهیز می‌شوند و ماموریت دارند. نیابت‌گری از ذهنیت ارباب و رعیت‌خویی و امام و امتی برمی‌خیزد. شاه و شریعت لازم و ملزوم یکدیگر و مانند دیوار مسجد و بازار هستند، پشت به پشت هم هستند. پروژه‌ی کفالت، جنگ افکندن به ارتجاع و ضدانقلاب در برابر انقلاب است. دویدن به آغوش ضد ارزش‌های انقلابی جنبش را با روی آوری به سپاه

و آیات عظام و سیستانی‌ها و لمپن‌ها، ماهیت ضد انسانی بورژوازی برای

## ماهیت ضد کارگری اپوزیسیون راست!

اسلامی سینه سپر کردند؟ ما یعنی فرزندان طبقه کارگر و توده های ستمدیده جامعه یا شکم سیران شاه الهی؟ در این صد و بیست روز چه کسانی مبارزه کردند؟ ما یا طبقه بورژوا و بچه پولدارهای بالا شهر. اصلا فرض کنیم که حرف شما درست، در بین این بیست هزار نفری که دستگیر شده اند، زندانی و شکنجه شدند، حکمهای غیر انسانی و اسلامی محاربه و مفسد فی الارض برایشان صادر کردند، بگردید ببینید چند نفرشان متعلق به طبقه شماست؟

نه فقط این صد و بیست روز، بلکه بیش از چهل سال است که ما یعنی طبقه کارگر و توده های ستمدیده جامعه با این رژیم اعلام جنگ کرده ایم و در میدان هستیم، در تمامی این چهار دهه این ما بودیم که اعتراضات و مبارزات را سازماندهی، رهبری و به پیش بردیم. زمانیکه جمال چراغ ویسی ها به اتهام برگزاری مراسم اول ماه مه شکنجه و اعدام شدند، شما و رسانه شما کجا بودید، در اعتراضات هفت تپه، هپکو، فولاد اهواز، لاستیک البرز، پتروشیمی ها و نفت و در نهایت اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ همان زمان که خانم مسیح علینژاد با آقای خاتمی برای خفه کردن صدای حق خواهی ما سر در آخور هم داشتند، شما کجا تشریف داشتید؟

آقای مجری بی سواد، اول کمی مطالعه کن و بعد هارت و پورت بکن، حالا خوبه خودت هم اشاره می کنی که یخچال کسانی که در میدان بودند خالی بود، سفره اشان خالی بود؟ یخچال چه کسی؟ ما توده های ستمدیده؟ یا شکم سیرانی هم چون شما، شما باید اول تکلیف پولهایی را که شاه شما از مردم ایران دزدید را مشخص کنید بعد اراجیف بیاغید. تعجب ما نه از حرفهای بی سرو ته شما، بلکه از آن رئیس الدنگت است که حداقل برای فریب مردم هم که شده نباید اجازه بخش چنین اراجیفی را به شما بدهد. رسانه شما و دیگر رسانه ها همپالگی تان تجارب زیادی در فریب اذهان عموم دارند. حداقل از بی بی سی و ایران انترنشنال یاد بگیرید که بعد از رسوایی های خانم ثابت و رحیم پور برای مدتی این دو نفر را از آمدن به جلوی دوربین منع کردند. دشمنی شما و رسانه های ارتجاعی شما با ما، با جنبش ما، با طبقه ما و بالاخره با انقلاب ما بسیار وقت است که ثابت شده است، هم ما این را خوب می دانیم و هم شما. اما خود شما هم بهتر از هر کس می دانید که نمی توانید در مقابل ما بایستید، نمی توانید ما و انقلاب ما را مصادره کنید، پس حداقل پایتان را به اندازه گلیمتان دراز کنید.

نه سلطنت، نه رهبری، آزادی و برابری

نه شاه می خواهیم، نه ملا، قدرت به دست شما

فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم

جوانان انقلابی محلات سنج / ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ ■

اگر چه ماهیت ضد انقلابی سلطنت طلبان و بسیاری از جریانات راست بارها و بارها در تند پیچ های این خیزش انقلابی برای همه مشخص شده است و ضدیت خود را با توده های ستمدیده، خواست برابری طلبانه و آزادیخواهانه این جنبش انقلابی اعلام کرده اند، اما گویا هر چه در مسیر انقلاب سوم ایران به پیش می رویم رخسار طبقه و ضد مردمی اپوزیسیون راست، نئوسلطنتی ها، قوم پرستان آریایی، از رژیم کهنه شده ها و کهنه اصلاح طلبان و شاه پرستان فرسنگردی و جریانات ارتجاعی دیگر هر روز بیشتر عیان می شود. از حمله پهلوی چی ها به صفوف آرایخواهان در خارج تا رواج فرهنگ رعیت مابانه و بیعت نامه مرتجعین با پهلوی، از احزاب و باندها قوم پرستی کردی که حاضرند با هر جک و جانوری ائتلاف کنند به شرط اینکه به قدرت برسند تا این یکی حزب دست ساز و ناسیونالیست کردی که از افاضات اسلام و پیمان نامه مدینه سخن سرایی می کند و بحران های ایران را حاصل دور شدن جمهوری اسلامی از ریشه های اسلام می داند.

وقتی علارغم سیل عظیم دلارهای نفتی سرازیر شده از عربستان و غرب، علارغم غولهای رسانه ای که در اختیار دارند، علارغم سانسورهای مکرر و خفه کردن صدای ما یعنی توده های ستمدیده از سوی انستارگرام، فیس بوک، ایران انترنشنال، من و تو، بی بی سی و صدای آمریکا و غیره، باز هم نتوانستند خود را به این جنبش انقلابی بچسبانند و آن را به انحراف و به بیراهه ببرند و یا مصادره کنند. حتی نتوانستند دولتهای غربی را با خود همراه کنند.

وقتی نتوانستند که سیاستها، شعارها و برنامه های خود را به ما تحمیل کنند، شمشیر را از رو بستند و مستقیما با ما وارد جنگ شده اند، آن از اقتضای مجری مجربتان خانم سیما ثابت که علنا دشمنی خود را با مردم و هوادارانش را از پسر محمد رضا پهلوی نشان داد، آن از خانم رعنا رحیم پور خبرنگار بی بی سی که با ادبیاتی تحقیر آمیز مبارزات مردم را به سخره گرفت، اینبار نوبت مجری تلویزیون من و تو آقای امید خلیلی رسیده که در کمال بی شرمی در مورد اعتراضات و مبارزات طبقه کارگر طی این چند روز اخیر شکرشکنی کند.

این دلک شکم سیر که نمی داند انقلاب چی هست و چه کسانی انقلابی هستند در اوج دشمنی با توده های زحمتکش ارث پدر تاجدارش را از طبقه ی کارگر مطالبه می کند و ضمن اشاره به اعتراضات اخیر طبقه کارگر، معلمان و بازنشستگان رو به دوربین فریاد می زند( تو این صد و بیست و اندی روز که بچه ها اون جلو گلوله می خوردن، شهید می دادیم کجا بودین شما؟).

حال سوال اینجاست که در این صد و بیست روز چه کسانی جلو گلوله های رژیم جنایتکار جمهوری

سلطه گری است. ➡

پایان دادن به دولت-ملت و دولت مرکزی و رویکرد به سامانه ی خودمدیریتی شورایی برای گذر از اسارات به رهایی در جامعه سوسیالیستی تنها راه نجات بشریت و نجات زمین و زیست و بوم در حال نابودی، رویکرد به دنیای نوین است.

۸ بهمن ماه ۱۴۰۱

### زیر نویس ها و منابع

۱ (https://twitter.com/memarsadeghi/۱۶۱۸۷۷۲۰۸۲۹۲۹۸۲۷۸۴۲/status "ند" یا "اعطای ملی برای دموکراسی (National Endowment for Democracy - NED) است که همسوی شاخه های جهانی احزاب دموکرات و جمهوریخواه و اتاق تجارت ایالات متحده آمریکا می باشد. سولیداریتی سنتر برای تخریب جنبش کارگری- سوسیالیستی یکی از ابزار این پروژه است که ۹۰ درصد بودجه خود را از "ند" دریافت میکند. "ند" سیاست خارجی حکومت آمریکا را زیر پوشش سازمان های غیر دولتی (ان جی ا) به پیش می برد و مدعی است که گسترش دهنده «دموکراسی» در کشورهای پیرامونی است. اما در واقع مبلغ نئولیبرالیسم یا اقتصاد بازار آزاد تجارت و استثمار و کنترل و حاکمیت فرمانروایان سرمایه در جهان را پشتیبانی می کند.

۲- الله یار کنگرلو از بیعت ایت الله سیستانی و مراجع قم با شاهزاده رضا پهلوی <https://www.youtube.com/watch?v=vQM9pNPHaQA>

۳) اسکای نیوز- کیهان لندن - پنج شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳.

۴) محمدرضا شاه، گفتگو با «اورینا فالاجی» اکتبر ۱۹۷۳ و نیز کتاب «مصاحبه با تاریخ» شاه.





## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان: تلاش رضا پهلوی برای تحمیل عقبگرد به قیام مردم محکوم به شکست است!



جالب این است حتی زنان اطراف جناب پهلوی و کسانی که دور او جمع شده بودند ساکت شده اند. له و علیه این شو مشمئز کننده "وکالت" تا کنون حرفی نزده اند. کسانی که بهر حال قبلاً بدلیل ماسک دمکرات بودن "شاهزاده" به او روی خوش نشان میدادند الان از او برائت میجویند. جالب ترین پاسخ را البته از داخل ایران گرفتند. نه فقط مردم در زاهدان فریاد زدند یک نفر نماینده یک جامعه نمیتواند باشد و اگر حرف از ائتلاف میزنید ائتلاف احزاب باید باشد، مردم کردستان و بسیاری از شهرهای دیگر گفتند و یا در خیابانها و بر در و دیوار به همراه نه به مجتبی نوشتند نه به رضا پهلوی. اعلام کردند دوره دیکتاتوری به پایان رسیده است. این پاسخ محکم جامعه به این تشبث زشت بود. باید بساط این جماعت را جمع کرد که با شعار مرگ بر چپ، به میدان آمده اند. چپ جامعه همراه با جنبش انقلابی مردم ایران و با شعار زن، زندگی، آزادی و اداره شورایی اجازه نخواهد داد راه این جنبش مدرن و پیشتازی زنان را سد کنند.

آزادی، برابری، حکومت شورایی!  
سرنگون باد جمهوری اسلامی!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان  
۲۲ ژانویه ۲۰۲۳



این روزها در سیمای سیاست در ایران یک اتفاق جالب پیش آمد، کسی که ادعا میکرد، دمکرات ترین و با ادب ترین و واردترین رهبر جناح راست برای پیشبرد انقلاب مورد نظرشان است، یکباره بخشی از حقیقت وجودی خود و چهره واقعی چگونگی عروج یک دیکتاتور فردی را به همه نشان داد.

قبل از آن صحبت از ائتلاف و همراهی و اتحاد بود و یکباره همه چیز به بیعت با جناب رضا پهلوی منتهی شد. کسی که توهم همراهی تعداد زیادی از مردم ایران را دارد. همین یک ذره ظاهر فریبی دمکرات بودنش را کنار گذاشت و به بقیه گفت به من توکل کنید و یک فوتبالیست تا دیروز طرفدار حکومت تویت زد که رضا پهلوی وکیل او است. او که تا دیروز به خاتمی و روحانی وکالت داده بود این بار رضا پهلوی را وکیل خود اعلام کرد. چند ساعت بعد اما متوجه شد که اینجا اپوزیسیون در جنگ با جمهوری اسلامی و همه دیکتاتورهای جدی است. میدان نبرد و مبارزه است نه معامله و وکیل و وصی تعیین کردن. درست همانند فوتبال باید در مبارزه پیروز شد نه در بده بستن در میان طبقات بالا. او باید میدانست که در زمین بازی فوتبال هم بازیگر کس دیگری را وکیل خود اعلام نمیکند.

در همین سه روز رضا پهلوی و اطرافیان و اطاق فکرش دیدند که جامعه ایران و فضای سیاسی ایران پخته تر و آماده تر و آگاه تر از آنست که اینها تصور کرده اند. پاسخ به این وکیل بازی روشن بود. ما در قرون وسطی نیستیم که یک نفر و یک مرد که موقعیت اش بدلیل فرزند ذکور دیکتاتور سرنگون شده بتواند به مردم امر و نهی کند. روشن است که او مورد توجه تعدادی از طرفدارانش است. به نیابت از آنها میتواند حرف بزند. اما جامعه مدرن و بپا خاسته و انقلابی ایران این شوهای مبتذل را با تمسخر بدرقه خواهد کرد.

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر



بزودی "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"  
هم روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان  
تلویزیون "آترناتیو شورایی" آغاز خواهد کرد!

## خیزش انقلابی ایران، چشم اندازها و نقش زنان و طبقه کارگر!

متن پیاده شده سخنان صلاح مازوجی در سمینار لندن - ژانویه ۲۰۲۳

های به هم مرتبط جوانان انقلابی در محلات که در شهرهای مختلف ابتکار عمل سازماندهی اعتراضات را بر عهده داشته اند، می توانند سنگ بنای تشکیل کمیته های محلات و در گام های بعدی شورای محلات باشند، این کمیته ها در شرایط کنونی می توانند نقش مؤثری در سازماندهی اعتراضات را بر عهده بگیرند. در مدارس دانش آموزان که یک پای اعتراض ها در این دوره بوده اند می توانند به تکیه با تجارب سازمانیابی معلمان دست اندرکار ایجاد کانون ها و شوراهای دانش آموزی شوند. اکنون بیش از گذشته زمینه برای ایجاد تشکل های توده ای زنان فراهم آمده است. جنبش کارگری ایران نیز طی سالهای اخیر هزاران اعتصاب و اعتراض کوچک و بزرگ را تجربه کرده است. این تجربه ها به ما نشان می دهند که ماتریال انسانی و کادرهای سازمانده که با ایده شورایی و ایده دخالت دادن مستقیم کارگران در تصمیم گیریها پرورده شده اند در جنبش کارگری ایران موجود هستند. بنابراین زمینه های مناسب برای ایجاد شوراهای و دیگر تشکل های کارگری مهیا شده است.

از دیگر ملزومات پیشروی جنبش انقلابی جاری کمک به شکل گیری رهبری سراسری است. تردیدی نیست که عنصر رهبری در این جنبش وجود دارد. این جنبش بر خلاف ادعای جریان های اپوزیسیون راست رهبر دارد، رهبرانی که به رغم جوان بودنشان در طی پنج سال گذشته خیزش دی ماه ۹۶، خیزش آبان ۹۸ خیزش های توده ای در اصفهان و خوزستان علیه کم آبی، تأثیرات اعتصابات کارگری بر فضای سیاسی جامعه و ده ها اعتراض بزرگ و کوچک را تجربه کرده اند و از آنها آموخته اند. این رهبری با اتخاذ تاکتیک های متنوع در مقابله با نیروهای سرکوبگر کارائی خود را نشان داده اند. البته این سطح از رهبری را نباید ایده آلزده کرد، اینکه این جنبش بجای رهبری احزاب، یا رهبری تشکلهای توده ای کارگران به این سطح از رهبری قناعت کرده، محصول بیش از چهار دهه سرکوب احزاب و ممانعت از ایجاد تشکل های کارگری و هر گونه تشکلی است. اما این رهبری را باید به رسمیت شناخت. چپ ایران نباید خود را در مقابل آن تعریف کند، بلکه باید به تکامل آن کمک کند. روشن است

که رهبری فعلی جنبش عمدتاً خصلت محلی دارد و پاسخگوی نیاز یک

تبیین خودمان را از این شعارها به میان توده ها ببریم. آزادی فقط به معنای آزادی از قید و بند یک رژیم مذهبی نیست، بلکه به معنای آزادی از قید و بند مناسبات سرمایه داری هم هست، برابری فقط به معنای برابری حقوقی و برابری در مقابل قانون نیست بلکه منظور برابری اقتصادی و برابری در دسترسی به همه آن امکاناتی است که موجبات رشد و شکوفائی استعداد انسان ها را فراهم می آورد. باید این درک از آزادی و برابری را به میان توده ها ببریم. از همین زاویه باید پیگیرانه و بطور تعطیل ناپذیر مواضع و استراتژی سیاسی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای به شکست کشاندن این جنبش را نقد کرد. باید تناقض برنامه های اقتصادی که همان سرمایه داری مبتنی بر الگوی بازار آزاد و نئولیبرالیسم با مدیریت غیر اسلامی است را با پلاتفرم های مطالباتی آنها و وعده هایی که در مورد رفاه و آزادی به مردم می دهند را آشکارا نشان داد. آنها که بدیل شان سرمایه داری با مدیریت غیر اسلامی است نمی توانند وعده رفاه به مردم بدهند. سرمایه داری با مدیریت غیر اسلامی هم یک حکومت استبدادی است.

یکی دیگر از ملزومات پیشروی این جنبش انقلابی تقویت عنصر سازمانیابی است. تردیدی نیست که در این جنبش عنصر سازماندهی وجود دارد. همین شبکه جوانان انقلابی در محلات شهرهای مختلف، نهادها و تشکل های دانشجویی که در همین دوره گسترش یافته اند، معلمان با تکیه بر سازمان سراسری که داشتند چند اعتصاب سراسری را سازمان دادند، شبکه های محافل کارگری و کمیته های اعتصاب که در جنبش کارگری، همه نشان از وجود درجه ای از سازماندهی و کار متشکل را نشان می دهند. باید تلاش کرد در دل این جنبش عنصر سازمانیابی را تقویت کرد. روشن است که این سطح از تشکل و سازمانیابی موجود با نیازهای این جنبش عظیم خوانایی ندارد. اما اگر عنصر سازماندهی ضعیف است و ما شاهد تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران و تشکل توده ای زنان و ... نیستیم، به دلیل ۴۳ سال سرکوب است. رژیم با بیش از چهار دهه سرکوب این سطح از تشکل یابی را به این جنبش تحمیل کرده است.

زمینه برای تقویت امر سازمانیابی در این جنبش انقلابی وجود دارد. برای نمونه همین شبکه

با عرض سلام و آرزوی تندرستی برای همه رفقا و دوستانی که در سمینار حضور دارند، من هم سعی می کنم در این فرصت کوتاه و در این سمینار که موضوع آن خیزش انقلابی ایران، چشم اندازها و نقش زنان و طبقه کارگر، معرفی شده است، نکاتی را در مورد ملزومات پیشروی جنبش انقلابی جاری به عرض برسانم. اکنون چهار ماه از جنبش انقلابی جاری که قتل دولتی ژینا جرقه آن را زد می گذرد. روشن است که زوایای مختلفی می توان به ارزیابی این جنبش پرداخت. اما مستقل از هر ارزیابی ای که از این جنبش داشته باشیم، شاید در شرایط کنونی سؤال کلیدی این باشد که ملزومات پیشروی این جنبش انقلابی کدام ها هستند، چگونه می توان این جنبش را به جلو سوق داد؟

برای پیشروی این جنبش قبل از هر چیز لازم است چشم انداز، افق و استراتژی روشنی را پیش روی این جنبش قرار داد و این چشم انداز روشن لازم است در شعارها و مطالبات توده های بپاخاسته مردم انعکاس پیدا کند. چون هدف این جنبش انقلابی فقط سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. مردم علیه مصائب، محرومیت ها و تبعیض هایی پا به میدان اعتراض و مبارزه گذاشته اند که ریشه در مناسبات سرمایه داری ایران دارند. حکومت دینی این مصائب و تبعیض ها را تشدید کرده است. به این اعتبار، این جنبش ضد سرمایه داری هم هست. مردم به حق به امکانات نهفته در ایران برای تحقق و برپائی جامعه ای آزاد، برابر و مرفه چشم دوخته اند. بنابراین هدف این جنبش فقط سلبی نیست، بلکه ماهیتاً ایجابی است. برای توده های مردم مهم است که تصویر روشنی از ساختار سیاسی و حکومتی که جایگزین رژیم جمهوری اسلامی می شود داشته باشند. از اینرو شعار "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و حتی شعار "زن، زندگی آزادی" به تنهایی هدف این جنبش را بیان نمی کنند و چشم انداز روشنی را پیش پای این جنبش قرار نمی دهند. باید یک افق سوسیالیستی را در برابر این جنبش قرار داد. باید سعی کرد شعارهایی از نوع "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، "آزادی، برابری، اداره شورایی" که از جانب خود توده ها در این جنبش انقلابی طرح شده اند را با کمین های سیاسی - تبلیغی هر چه توده ای تر کرد. باید



## بازنشستگان در کف خیابان!



روز دوشنبه ۱۰ بهمن ماه جمعیت کثیری از بازنشستگان مس سرچشمه در اعتراض به انتقال صندوق مس بدون رضایت سهامداران به زیرمجموعه وزارت رفاه، در مقابل دفتر شرکت ملی صنایع مس ایران در خیابان ولیعصر تهران تجمع اعتراضی برپا کردند. در همین روز بازنشستگان این مجتمع صنعتی در کرمان نیز در مقابل دفتر اصلی کارخانه تجمع کردند و خواهان حفظ استقلال صندوق بازنشستگی مس از وزارت رفاه شدند. بازنشستگان مس سرچشمه می‌گویند: در تاریخ پنجم اسفند ۱۴۰۰، صندوق مس را بدون رضایت سهامداران به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل کردند؛ این در حالیست که صندوق و تمام دارایی‌های آن متعلق به ما بازنشستگان است و از محل اندوخته‌ی سالیان ما ایجاد شده است. آنها بر این باورند که اگر اوضاع به همین ترتیب پیش برود، صندوق مس به تدریج از میان می‌رود و بازنشستگان را به صندوق تأمین اجتماعی منتقل خواهند کرد؛ این مساله باعث می‌شود امتیازات و مزایای مزدی ما کاهش یابد. در روز دوشنبه همچنین بازنشستگان مخابرات در خراسان رضوی، یزد، اصفهان، گیلان، ایلام و کرمانشاه نیز در مقابل ساختمان مرکزی اداره مخابرات این شهرها تجمع‌های اعتراضی برپا کردند و خواهان رسیدگی به خواسته‌ها و مطالبات خود شدند. بازنشستگان مخابرات خواهان پرداخت مطالبات بیست ماه به تعویق افتاده از بیمه تکمیلی و برکناری مدیران شرکت مخابرات به خاطر عدم اجرای وعده‌ها و پرداخت مطالبات در گذشته شدند.

تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان مس سرچشمه و بازنشستگان مخابرات بخشی از جنبش سراسری بازنشستگان است که طی دو سال اخیر بارها با شعار "تا حقمون و نگیریم آرام نمی‌نشینیم"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون" به خیابان آمده و برای افزایش حقوق بازنشستگان و علیه عدم همسان سازی کامل حقوق و به غارت بردن صندوق تأمین اجتماعی دست به اعتراض زده‌اند.

زمانی که احمد توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت و نماینده پیشین مجلس بارها اعلام کرده که ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نماینده مجلس اسلامی در دوره رئیسی اعتراف می‌کند که شش دهک جامعه یعنی بیش از بیست و پنج میلیون نفر توان خرید گوشت را ندارند و اذعان می‌کند که کارگران، کارمندان و بازنشستگان از جمله این گروه‌ها هستند؛ زمانی که مرکز پژوهشهای مجلس اعلام می‌کند که بیش از دو سوم جمعیت کشور باید تحت پوشش طرح معیشت خانوار قرار گیرند؛ زمانی که بر اساس گزارش روزنامه‌هایی که در ایران منتشر می‌شوند نرخ تورم خوراکی‌ها در آبان ماه سال جاری حدود ۷۰ درصد، نان و غلات بیش از ۷۴ درصد و برای گوشت قرمز و ماکیان بیش از ۶۴ درصد ثبت شده است. شیر و پنیر و تخم مرغ رشدی بیش از ۸۱ درصد و روغن‌ها و چربی‌ها نیز حدود ۲۵۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند؛ زمانی که نرخ دلار از مرز ۴۱ هزار تومان عبور کرده است و تورم افسارگسیخته و سقوط قدرت خرید اقشار فرودست جامعه را در پی داشته است؛ زمانی

جنبش سراسری نیست. با اینحال به هم مرتبط شدن و به هم پیوستن این رهبران محلی می‌تواند گامی در راستای شکل‌گیری رهبری سراسری باشد. در این دوره به هم مرتبط شدن جوانان انقلابی محلات مختلف با تشکلهای و نهادهای دانشجویی و برخی از تشکلهای زنان و مادران جانبازان تلاش مؤثر در راستای ایجاد یک رهبری سراسری بود. چپ‌ها و کمونیست‌های متحزب لازم است به این روندها کمک کنند. در مسیر تلاش برای پاسخگویی به نیازهای این جنبش انقلابی می‌توان به این رهبران تلافی پیدا کرد. احزاب و سازمانهای موجود در جنبش کمونیستی ایران ضروری است با این شبکه رهبران محلی به هم برسند. شکل‌گیری آلترناتیو رادیکال و سوسیالیستی متکی بر یک پایه اجتماعی نیرومند از این مسیر می‌گذرد.

توده‌ای تر کردن این جنبش انقلابی از دیگر شرایط پیشروی آن است. در این تردیدی نیست که این جنبش انقلابی از حمایت میلیونی مردم ایران برخوردار است. اما توده‌های مردم در ابعاد میلیونی به آن نیویسته‌اند، و این هنوز از نقطه ضعف‌های این جنبش انقلابی به شمار می‌آید. درست است یک انقلاب را یک اقلیت مصمم و انقلابی می‌تواند آغاز کنند، اما فقط با نیروی این اقلیت به پیروزی نمی‌رسد. بنابراین باید راه مشارکت فعال برای توده‌های میلیونی که ظرفیت و آمادگی جنگ و گریز هر روزه خیابانی را ندارند پیدا کنیم. لازم است شبکه جوانان در محلات ظرفیت‌های سازمانگرا خود را در به میدان آوردن توده‌های مردم به صحنه مبارزه نشان بدهند.

از دیگر پیش شرط‌های پیشروی این جنبش انقلابی به میدان آمدن طبقه کارگر به عنوان یک طبقه اجتماعی است. تردیدی نیست که رهبران و فعالین جنبش کارگری به ضرورت سیاسی و طبقاتی به میدان آمدن طبقه کارگر و تلاش برای تأمین هژمونی جنبش کارگری بر جنبش‌های اعتراضی واقف هستند. تلاشهای خستگی‌ناپذیر فعالین کارگری در مراکز کار و تولید، اطلاعاتی‌ها و فراخوانهای شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای هماهنگی تشکلهای معلمان و دیگر تشکلهای کارگری مستقل از دولت در خصوص ضرورت به میدان آمدن کارگران جهت به عقب نشاندن ماشین سرکوب و اعدام رژیم، این حقیقت را به روشنی نشان می‌دهد. اما واقعیت این است که سرکوب شدید و تفرقه افکنی نیروهای حراست حکومتی در محیط‌های کار، تهدید به اخراج و عدم امنیت شغلی، قراردادهای موقت، فقر بی سابقه و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده‌های کارگری در حالی که خط فقر خانوارها در ایران به بالای ۲۰ میلیون تومان در ماه رسیده است، از جمله موانعی هستند که فعالین و رهبران کارگری برای بسیج کارگران و سازماندهی اعتصاب با آن روبرو می‌باشند. این موانع هزینه اعتراض و اعتصاب کارگران را بسیار بالا برده است. اما غلبه بر این موانع امری ممکن است و روند اوضاع اقتصادی بطور اجتناب‌ناپذیری به رشد اعتصابات کارگری منجر خواهد شد.

در لحظه کنونی چیره شدن بر این ضعف و کمبودها و آماده کردن طبقه کارگر برای رهبری این جنبش انقلابی، وظایف سنگینی را بر دوش فعالین و رهبران سوسیالیست جنبش کارگری و احزاب و سازمانهای کمونیستی قرار می‌دهد.

این نکات را فقط اشاره کردم تا بگویم که راه معجزه آسایی برای تضمین پیشروی این جنبش انقلابی وجود ندارد، باید به وظایف عملی خود برای تأمین این ملزومات عمل کنیم.

## به کمک زلزله زدگان بشتابیم!

جانب مردم دیگر شهرهای ایران یک اقدام انسانی و ضروری است.

مردم ایران به یاد دارند که بعد از وقوع زمین لرزه آبان ماه سال ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه و درماندگی آشکار نهادهای حکومتی در ارسال کمک های مورد نیاز به زلزله زدگان و آوارگان این واقعه، چگونه توده های مردم در شهرها و روستاهای کردستان و برخی دیگر از شهرهای ایران دسته دسته با هر امکان و توانی که در اختیار داشتند وسایل و محموله های کمکی لازم را به اکپ های ویژه جمع آوری این کمک ها که در نقاط مختلف شهرها استقرار یافته بودند تحویل می دادند و چگونه امدادگران مردمی به رغم کارشکنی های مأموران و کارگزاران رژیم به طور مستمر کمک های جمع آوری شده را به نواحی زلزله زده انتقال می دادند. در آلمان توده های مردم کردستان در برابر رفتار ضد انسانی مقامات حکومتی در عدم ارسال کمک های مورد نیاز به مناطق زلزله زده، با ارسال کمک های بی دریغ خود و نشان دادن صحنه های با شکوهی از همبستگی انسانی با آسیب دیدگان و آوارگان این واقعه، واکنش نشان دادند.

سوانح طبیعی در مناسبات سرمایه داری و تحت حاکمیت رژیم سرتا پا فاسدی مانند جمهوری اسلامی، در نظامی که منابع ثروت و قدرت در دستان اقلیت سرمایه داران و دولت قرار دارد همواره بیشترین قربانیان را از اقشار محروم جامعه می گیرد. اگر وقوع زلزله، سیل و طغیان رودخانه ها یک سانحه طبیعی است، اما ابعاد تلفات و بافت طبقاتی تلفاتی که از خود بر جای می گذارد و پیامدهای آن مهر جامعه طبقاتی را بر خود دارد. فقط کافی است بخشی از منابعی را که رژیم جمهوری اسلامی صرف تجهیز نیروهای سرکوبگر، پروژه های اتمی، دستگاه تبلیغات، ساخت پهبادها و جنگ های ویرانگر منطقه ای و هزینه استخدام صد ها هزار آخوند برای ترویج جهل و خرافه مذهبی می کند را به پروژه های مقابله با احتمال وقوع این نوع سوانح طبیعی و مبارزه با فقر و تأمین مسکن مناسب اختصاص داد تا تلفات این گونه سوانح طبیعی را پایین آورد. با اینحال در تمام جوامع سرمایه داری چگونگی عکس العمل دولت های حاکم در مقابله با قهر طبیعت، تابعی است از سطح مبارزات و میزان سازمانیابی مردم و پیشروی آنها در راستای متعهد کردن دولت ها به وظایفی که باید انجام دهند. در شرایط کنونی تنها با نیروی همبستگی و سازماندهی جمع آوری کمک و ارسال آن به زلزله زدگان و اعتراض یکپارچه به بی توجهی و سیاست ضد انسانی رژیم در این زمینه است که می توان رژیم جمهوری اسلامی را وادار کرد که بودجه و امکانات لازم را به زلزله زدگان اختصاص دهد و خسارات مادی وارد آمده به آنان را جبران کند



با اینکه از وقوع زلزله ای به قدرت ۵.۹ درجه ریشتر در شب هشتم بهمن در نزدیکی شهر خوی واقع در شمال غربی ایران شش روز می گذرد، اما وضعیت آسیب دیدگان این زلزله همچنان شدت بحرانی است. آسیب دیدگان این زلزله شامگاه چهارشنبه ۱۲ بهمن، در برابر ساختمان فرمانداری شهر خوی تجمع کرده و خواستار چادر شدند. بنا به گفته وزیر کشور رژیم در نتیجه وقوع این زلزله حدود ۱۸ هزار واحد مسکونی تخریب شده و یا بطور جدی آسیب دیده اند و هزاران نفر بی خانمان شده اند. استاندار رژیم در آذربایجان غربی از تخریب گسترده خانه ها خبر داده و گفته است: «برآورد اولیه این است که واحدهای مسکونی ۷۰ روستا از ۲۰ تا ۸۰ درصد آسیب دیده اند که البته آسیب در مناطق شهری نسبت به ۲ زلزله قبل، بیشتر بوده و خسارت هایی در داخل شهر خوی و شهر فیروزق گزارش شده است.» در این مدت اگر چه مقام های حکومتی با جار و جنجال رسانه ای از اعزام گروه های امدادگران از جمله هلال احمر برای اسکان موقت زلزله زدگان خبر می دهند و خبرگزاری های وابسته به سپاه پاسداران از اعزام نیروهای جهادی برای کمک به آسیب دیدگان گزارش داده اند، اما با گذشت شش روز از وقوع این زلزله هنوز هم صدها نفر در سرمای شدید زمستان شب را بدون سرپناه سپری می کنند. در حالی که احمد وحیدی، وزیر کشور روز یکشنبه مدعی شد: «با ایجاد کمپ برای استقرار فوری زلزله زدگان و اهدای چادر از سوی هلال احمر، اقدامات لازم برای اسکان زلزله زدگان در منطقه انجام شده است.» اما بر پایه گزارش خبرگزاری های حکومتی زلزله زدگان در حالی چند شب پیاپی را در سرمای زیر صفر به سر می برند که با کمبود چادر، مواد غذایی، وسایل گرمایش و مشکل اسکان موقت روبرو هستند. تصاویر ویدیویی منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که شماری از مردم در خیابان ها بستر خود را پهن کرده و آتش روشن کرده اند. بنا به گزارش ایسنا سرمای شدید هوا و پس لرزه های متعدد مشکلات زیادی برای مردم ایجاد کرده و آنها از «توزیع نامناسب چادر» و «کمبود وسایل گرمایشی» در رنج هستند. به گزارش این خبرگزاری، «مردم شهر خوی از مشکل کمبود نان گله مندند و برای گرفتن چند قرص نان باید ساعت ها در صف بایستند. با توجه به اینکه در چنین شرایطی مردم بیش از زمانهای دیگر به دارو و وسایل بهداشتی نیاز دارند، ولی داروخانه ها بسته است و مردم دچار مشکل شدند» در حالی که با گذشت شش روز از وقوع این زلزله هنوز صدها نفر در سرمای شدید زمستان شب را بدون سرپناه و یا در چادر بدون وسایل گرمایشی سپری می کنند، سازماندهی جمع آوری و ارسال کمک های انسانی به زلزله زدگان شهر خوی و روستاهای اطراف از

که شورای عالی کار رژیم بی توجه به این فقر و فلاکت اقتصادی تحمیل دستمزدهای سه مرتبه پایین تر از خط فقر را برای سال ۱۴۰۲ تدارک می بیند، در اینصورت چرا باید بازنشستگان منتظر مرگ تدریجی خود شوند. اکنون وقت آن است که بازنشستگان سراسر کشور متحد و یکپارچه و بازو در بازوی هم با شعار «تا حقمون و نگیریم آرام نمی نشینیم»، «فقط کف خیابون بدست میاد حقمون» به خیابان بیایند و با برافراشتن پرچم مطالبات خود در اعتراض های سراسری جلوه های تازه ای از تداوم و استمرار جنبش انقلابی جاری را به نمایش بگذارند. آنچه بازنشستگان را در ابعاد سراسری به اعتراض واداشته و به کف خیابان کشانده است، ریشه در شکاف های طبقاتی و همین فلاکت اقتصادی دارد که اکثریت مردم ایران را به زندگی کردن در زیر خط فقر سوق داده است. همین حقیقت ساده ضرورت مبارزات متحدانه بازنشستگان را پیش کشیده است. تداوم سیاست های نئولیبرالی رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم و تعرض به هستی اجتماعی، معیشت و منزلت انسان ها، بازنشستگان را نیز مانند معلمان و دیگر بخش های طبقه کارگر به مقاومت و اعتراض کشانده است. موج اخیر اعتصابات کارگران، تداوم اعتراضات توده ای در سیستان و بلوچستان، حضور گسترده مردم در مراسم گرامیداشت یاد جانبازان، برپائی تجمع های اعتراضی بازنشستگان در تهران و چندین شهر دیگر، و تداوم اعتراضات در چند محله تهران، سندانج، بوکان، مشهد، شیراز، اصفهان، زرین شهر، کرمان، اصفهان و یزد با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» نشان از آن دارد که جنبش انقلابی توده های بپاخاسته مردم به رغم سرکوب خونین راه تداوم خود را باز می یابد.



## راه حل کومه له برای پایان دادن به ستمگری ملی در کردستان!

هر طریقی که باشد، رضایت میدهند، از اینرو رسالت تاریخی رفع ستمگری ملی و هر گونه تحول دمکراتیکی در جامعه نیز بر دوش طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه افتاده است.

بنابراین طبقه کارگر و مردم زحمتکش کردستان نیروی محرکهی جنبش انقلابی کردستان هستند و پایان دادن به ستمگری ملی نیز در گرو پیشروی این طبقه اجتماعی در امر مبارزه است. اما به رغم اینکه امروز در کردستان دود ستمگری ملی بیشتر از همه به چشم کارگران و مردم زحمتکش می رود، با این حال طبقه کارگر و زحمتکشان تنها برای مطالبه رفع ستم ملی به میدان مبارزه نیامده اند. کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده کردستان خواستهها و مطالبات



اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روشن خود را دارند که به مناسباتهای مختلف آنها را اعلام کرده اند. کومه له به هر اندازه بتواند با حضور در مبارزات روزانهی طبقه کارگر و لایههای فرودست جامعه و با پافشاری بر خواستههای آن، این نیروی اجتماعی را بطور متشکل و سازمانیافته به میدان مبارزه سیاسی بیاورد، کل جریان سوسیالیستی را در موقعیت مناسبتری برای رهبری جنبش انقلابی کردستان و تحقق برنامهی خویش برای رفع ستم ملی قرار میدهد.

در طرح کارگران برای حل مسئله ملی در کردستان که از نخستین روز پیروزی همراه با برنامه حداقل در زمینه تأمین رفاه اجتماعی و تأمین آزادیهای سیاسی، رسماً اعلام و به مورد اجرا در خواهد آمد، کلیه ارگانها و نهادهای نظامی و امنیتی و غیره که ابزار اعمال ستم و تبعیض هستند، برچیده می شوند. کلیه قوانین و موانع حقوقی و اداری که بر اساس تبعیض شکل گرفته اند ملغی می گردند. اداره امور کردستان و مدیریت جامعه به شوراهای منتخب مردم در سطوح مختلف و شورای نمایندگان سراسری کردستان سپرده می شود، شوراهایی که هم قانونگذار و هم مجری قانون خواهند بود. برنامههای مشخص برای گسترش مراکز تولیدی و جبران عقب ماندگیهای اقتصادی ناشی از تبعیض ملی به هزینه دولت مرکزی، به مورد اجرا گذارده می شود. از

استراتژی سیاسی، فرهنگ و سنتهای خاص خود است. تاریخ رشد و گسترش سرمایه داری نشان میدهد که ایدئولوژی و برنامه ی ناسیونالیسم عمدتاً بر اساس نیاز سرمایه داری هر ملت به ایجاد بازار داخلی و منحصر کردن این بازار در چهارچوب مرزهای معین و ضرورت حفظ این مرزها به اتکا به نیروی توده های ساکن در آن مناطق، شکل گرفته است. ناسیونالیسم، فرهنگ و ادبیات و هنر و

سمبلهای خاص خود را برای تسهیل امر بسیج توده های در خدمت تحقق این هدف طبقاتی به وجود آورده است. با این وجود، امروز که با رشد خارق العاده و جهانی شدن سرمایه داری، همهی مرزها بر روی حرکت کالا و سرمایه باز شده است، پایه های اقتصادی این ایدئولوژی مبنی بر ایجاد بازار داخلی و ملی از بین رفته است. سرمایه داران کردستان نیز گام نهادن در مسیر ادغام در بازار جهانی را در راستای منافع طبقاتی خود می دانند. اکنون بقای ستمگری ملی در کردستان در بی حقوقیهای سیاسی و اداری، فرهنگی، عقب نگه داشتن کردستان به لحاظ اقتصادی و ساختارهای ضعیف خدمات اجتماعی که دود آن اساساً به چشم کارگران و زحمتکشان کردستان می رود، با برجستگی خودنمایی می کند. ناسیونالیسم از وجود این بی حقوقی ها و ستمگری ها تغذیه می کند و حضور خود در صحنه سیاسی جامعه را حفظ کرده است. اما از آنجا که به حکم همین تحولات اجتماعی و اقتصادی چند دههی اخیر، طبقه سرمایه دار و اقشار مرفه جامعه انگیزه ای برای مبارزه در جهت رفع ستمگری ملی ندارند و احزاب ناسیونالیست هم به حکم همین تحولات بیش از پیش، خود را با گرایش و آرزوهای پایگاه طبقاتی خود یعنی سرمایه داران و طبقات دارا منطبق کرده اند و به جای آن که رفع ستم ملی را هدف خود قرار داده باشند، تنها به کسب بخشی از قدرت محلی، از

یکی از اولویت های کومه له همراه سازی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده به راه حل کمونیست ها برای مسئله ملی در کردستان است. باید تلاش کرد که راه حل واقع بینانه برای حل مسئله ملی در کردستان هر چه فراگیرتر پذیرش بیابد و مقبولیت اجتماعی پیدا کند.

همانگونه که بارها تأکید کرده ایم، کومه له خواهان حق تعیین سرنوشت به معنی حق تشکیل دولت مستقل برای مردم ساکن در استانها و مناطق کردنشین است. اما تأمین شرایطی که در آن مردم کردستان بتوانند بدون نگرانی از تهدیدات و اعمال فشارهای نظامی، پلیسی، سیاسی و اقتصادی و غیره آزادانه از این حق خود استفاده کنند، در گرو مبارزه برای یک اعتلای انقلابی در ایران، سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی است که برخورداری عملی از همه حقوق دمکراتیک مردم را تأمین نماید. بر این مبنی، تنها راه واقع بینانه رفع ستم ملی از مردم کردستان مشارکت آنان در یک جنبش انقلابی سراسری به منظور سرنوشتی انقلابی حکومت اسلامی و تأمین آزادیهای دمکراتیک و آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی است.

اما کومه له در شرایطی بر استراتژی سوسیالیستی خود برای رفع ستمگری ملی تأکید می کند، که ناسیونالیسم نیز جامعه کردستان را تحت تأثیر سیاستها و عملکرد خود قرار داده است. اگر چه نطفه و نموده های اولیهی جنبش ناسیونالیستی در کردستان در قالب واکنش فتودالهای محلی در مقابل تعرضات دولت مرکزی عرض اندام کرد، اما به موازات زوال نظام فتودالی و پیدایش و رشد نظام سرمایه داری در این مناطق، ایدئولوژی ناسیونالیستی در میان طبقات و اقشار نوظهور و مرفه نفوذ پیدا کرد و به ایدئولوژی غالب بورژوازی و لایه هایی از اقشار متوسط و خرده بورژوازی کردستان تبدیل شد. ناسیونالیسم ایدئولوژی و اهداف سیاسی معینی است که در جامعهی کردستان هم مانند بسیاری جوامع دیگر همزاد پیدایش و گسترش مناسبات سرمایه داری به یک جنبش سیاسی تبدیل شده است. احزاب سیاسی و طیفی از برنامه های سیاسی مختلف بر اساس این ایدئولوژی بورژوایی بنیانگذاری و تدوین شده اند. این ایدئولوژی دارای جهان بینی،



## پلاتفرم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

مقدمه

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان حقوق پایه‌ای مردم کردستان را همان حقوقی می‌داند که حقوق و آرمان مشترک تمام انسان‌ها برای برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه است.

جامعه باید آزادی، برابری و رفاه انسان را تضمین کند. آزادی به معنای رهایی از سرکوب و اختناق سیاسی، رهایی از اجبار و انقیاد اقتصادی، رهایی از اسارت فکری، آزادی در شکوفایی خلاقیت‌های بشری.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسان‌ها باشد. برابری نه فقط در برابر قانون، بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه، برابری در حفظ حرمت و ارزش همه انسان‌ها در پیشگاه جامعه. از نظر ما حقوق انسان جهانشمول است. حقوق پایه‌ای مردم کردستان نیز بخش لاینفک این حقوق است. لذا ما از همین حالا تلاش می‌کنیم حقوق پایه‌ای مردم کردستان عملی و اجرا بشود و آنچه که در زیر آمده است، بعنوان قانون مصوب در حاکمیت بعد از جمهوری اسلامی در کردستان رسمیت پیدا کند.

۱- آزادی بی قید و شرط بیان حق همه شهروندان است. مردم در داشتن هر نوع عقیده و ایجاد و یا پیوستن به هر تشکیلی آزادند. انتقاد و اعتراض و اعتصاب حق همه شهروندان است. تفتیش عقاید و یا تحمیل عقاید ممنوع است. افراد در مسکوت گذاشتن عقاید خود آزادند.

۲- تشکیل اجتماعات، برپایی تظاهرات، داشتن و استفاده از مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای بیان آزادانه عقاید، آزادی کامل تشکل و حزب یا پیوستن به هرگونه تشکل سیاسی، صنفی و توده‌ای حق سلب ناپذیر مردم است.

۳- معیشت و زندگی همه شهروندان علیرغم توان و عدم توان انجام کار و یا داشتن و نداشتن شغل، باید بر اساس استانداردهای جامعه بشری تامین شود.

۴- برقراری یک ساختار سیاسی شورایی مبتنی بر دخالت مستقیم و مستمر مردم در امر حاکمیت. تامین حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی وسیع، بی قید و شرط و تضمین شده و برابر برای همه رفع هر نوع تبعیض بر اساس جنسیت، تابعیت، تعلقات ملی، نژادی، مذهبی، سنی، و غیره.

۵- انتخابی بودن کلیه مقامات و پست‌های سیاسی و اداری توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هر زمان که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند. کلیه افراد در سن قانونی از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند. هر فرد

طریق بالا بردن سطح آموزش رایگان، از جمله، آموزشهای فنی و حرفه‌ای، بالا بردن سطح خدمات اجتماعی و عمومی و غیره، امکان واقعی برخورداری از حقوق برابر برای مردم کردستان فراهم می‌گردد. نمایندگان شوراهای سراسری کردستان بدون هیچ گونه قید و شرط و تبعیضی در ارگانهای سراسری اداره امور ایران شرکت خواهند کرد.

با تحقق چنین شرایطی و با در پیش گرفتن سیاستهای آگاهانه آموزشی و فرهنگی هرگونه نابرابری احتمالی میان ملت‌های مختلف زوال می‌یابد و هویت انسانی افراد متعلق به اتنیکیها و ملیتهای مختلف و راه درهم آمیختن آنها هموارتر می‌گردد. چنین جامعه‌ای با ستم ملی بیگانه خواهد شد. در این صورت کشیدن هرگونه حصار به دور کردستان به معنی واگذار کردن اداره این جامعه به تناسب قوای سیاسی و طبقاتی موجود در آن، یعنی محروم کردن کارگران کردستان از دستاوردها و پشتیبانی هم‌طبقه‌های خود در سطح سراسری است. چشم داشتن به یک افق سراسری، همراه با کارگران و همه مبارزین انقلابی و سوسیالیست در ایران سهلترین و کم دردسرتترین راه برای رفع ستم ملی و تحقق اهداف و مطالبات حق طلبانهی مردم کردستان است.

بدیهی است که با ایجاد چنین شرایط دموکراتیکی این مردم کردستان هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه از حق خویش استفاده کنند. در چنین شرایطی، با توجه به اوضاع جهانی و مجموعه عوامل محلی و منطقه‌ای و شرایط بخشهای دیگر کردستان، ما باقی ماندن در چهارچوب ایران و مشارکت مردم کردستان در حاکمیت سراسری و شورایی کارگران و زحمتکشان را توصیه می‌کنیم.

بزرگسال می‌تواند در انتخابات هر ارگان نمایندگی، شرکت کند.

تبصره: سن قانونی را ارگان قانون گذار تعیین میکند. ۶- با توجه به سابقه ستمگری ملی در کردستان توسط رژیم‌های سلطنتی و جمهوری اسلامی، هرگونه تبعیض و ستم و نابرابری باید برچیده شود. این امر تنها با برسمیت شناختن حق جدایی و یا ماندن در چهار چوب کشوری واحد با حقوق برابر تامین میشود. ما درعین حال بر همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم کردستان و سراسر ایران تاکید میکنیم. حقوق شهروندی برابر در همه وجوه حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی واداری جامعه حق مسلم مردم کردستان است. برای چنین تصمیمی مردم کردستان حق دارند در یک رفراendum به رسمیت شناخته شده تحت نظارت نهادهای بین المللی سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند.

۷- اداره کردستان در کلیه سطوح به عهده ارگان‌های منتخب مردم است. اعمال زور از جانب هر دولت و نیروی سیاسی برای جلوگیری از اعمال آزادانه اراده مردم در تعیین سرنوشت خویش ممنوع است.

۸- همه قوانین و نهادهایی که مظهر و یا حافظ ستم ملی هستند باید ملغی و برچیده شوند. هر گونه تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی علیه مردم کردستان مردود است. استفاده از زبان مادری در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و آموزش زبان و فرهنگ در مدارس و استفاده از تسهیلات و امکانات برابر با بقیه شهروندان حق بی چون و چرای مردم کردستان است.

۹- قضات، دادگاهها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی باید مستقل باشند. اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. برخورداری از امکانات رسیدگی و محاکمه منصفانه و داشتن وکیل حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر، فشار روانی و فکری بر افراد ممنوع و مبادرت به آن جرم محسوب می‌شود. هر نوع اعتراف اجباری فاقد اعتبار است.

۱۰- حق حیات پایه‌ای‌ترین حق انسان است. مجازات اعدام و حبس ابد تحت هر شرایطی ممنوع است. افراد باید از هر نوع تعرض جسمی و روحی مصون باشند.

۱۱- مذهب از دولت و آموزش و پرورش و دستگاه قضا باید جدا باشد. نظام اداره جامعه باید تماما فارغ از سنن و قوانین ملی و مذهبی باشد. داشتن یا نداشتن مذهب بدون قید و شرط آزاد است.

۱۲- بهداشت و آموزش رایگان در همه سطوح حق هر فرد است. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی و بهداشتی موجود در جامعه حق همه شهروندان است.

۱۳- آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است.

## پژاک در توهم دمکراتیزه کردن اسلام سیاسی و پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه!

نامد شاهو عضو انجمن رهبری پژاک اخیراً در مصاحبه ای با شبکه آریان تی وی به توضیح دیدگاههای پژاک در مورد مسائل اجتماعی و از جمله به مسئله مذهب پرداخته و تزهایی ارائه داده است که بطور کامل در تقابل با فلسفه خیزش انقلابی جاری و شعار زن، زندگی، آزادی قرار دارند. وی در توضیح دیدگاه پژاک در مورد بحران در ایران می گوید: «بحران اساسی ایران ناشی از انحراف از آن ارزش هایی است که در زمان عروج انقلاب اسلامی و پیمان نامه مدینه به رهبری محمد پیامبر مسلمانان بنیانگذاری شده است». رژیم اشغالگر و دیکتاتوری اسلامی ایران به آن معیارهایی که دین اسلام روی آنها پایه گذاری شده توجه نکرده و حکومت فاشیستی و دیکتاتوری خود را مانند نمایندگی خدا در روی زمین معرفی می کند. کادر رهبری پژاک در ادامه می گوید: «این مواضع رژیم هم با بنیاد های فکری گرانقدر دین اسلام که از جانب خلق مانند فرهنگ اسلامی شناخته می شود مغایرت دارد و همین انحراف علت گسترش بحران و تناقضات در ایران را توضیح می دهد و برای بنیاد نهادن یک سیستم دمکراتیک ضروری است یک خوانش نو برای جنبه های فکری این سیستم انجام گیرد». نامد شاهو در ادامه تأکید می کند «مانند پژاک ما باورمان به پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه و فرهنگ اسلامی است و تنها جنبشی هستیم که با صراحت از تشکیل کنگره دمکراتیک اسلامی صحبت کرده ایم». کادر رهبری پژاک در ادامه ادعا می کند که: «اهداف اصلی اسلام رهایی بشریت است» و باز ادامه می دهد که: «بازگشت به خط مشی و جوهر اسلام که ماهیتی دمکراتیک دارد از ایجاد جدال و کشمکش در خاورمیانه و جهان جلوگیری می کند». البته عضو انجمن رهبری پژاک در این مصاحبه که متن کتبی آن در سایت ANF NEWS درج شده اندر فوائد اسلام دمکراتیک زیاد سخن گفته، اما نقل همین چند جمله برای روشن ساختن ماهیت ارتجاعی این مواضع و تقابل آن با فلسفه خیزش انقلابی جاری در ایران که با نام رمز زینا آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد بسنده می کند.

این ادعاهای عضو انجمن رهبری پژاک در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه است که با تکیه بر قوانین اسلامی برگرفته از کتاب «آسمانی» قرآن و در واقع بر مبنای بنیادهای فکری محمد پیامبر مسلمانان یک رژیم هار آپارتاید جنسیتی را بر ایران حاکم کرده و هر ندای آزادیخواهانه را با گلوله پاسخ داده است. در پادشاهی عربستان سعودی بر اساس همان بنیادهای فکری محمد و پیمان نامه مدینه جامعه را به زندانی بزرگ برای زنان تبدیل کرده و با کارگران مهاجر مانند برده رفتار می کنند. دولت خلافت اسلامی داعش با پیروی از محمد و پیمان نامه او زنان را مورد تجاوز قرار می داد، آنان را به غنیمت می گرفت و در بازار به فروش می رساند. طالبان در افغانستان نیز سنگسار زنان و کلیه سیاستهای زن ستیزانه و فوق ارتجاعی خود را با اتکا به قوانین اسلام محمدی توجیه می کند. اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه در ترکیه نیز با سیاست ها فاشیستی، توسعه طلبانه و ارتجاعی اش می خواست خود را به عنوان الگوی حکومتی مورد نظر غرب در

زندگی خصوصی افراد، محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هرنوع دخالت توسط هر نهاد و مرجعی مصون است.

۱۴- افراد در انتخاب لباس آزادند و هرنوع شرط و شروط رسمی یا ضمنی بر پوشش افراد ممنوع است.

۱۵- کودکان حق دارند از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق برخوردار باشند. تضمین رفاه آنها بر عهده دولت است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی در بالاترین سطح ممکن را داشته باشند.

۱۶- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ رسیده اند. روابط جنسی بزرگسالان امر خصوصی آنهاست. هیچ کس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن را ندارد. رابطه جنسی افراد بزرگسال با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها ممنوع و جرم است.

۱۷- زنان باید در کلیه شئون زندگی اجتماعی، در تولید، در خانواده و در کلیه عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. لغو امتیازات مرد بعنوان «سرپرست خانواده» و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، جدایی، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده، ممنوعیت تعدد زوجات، ممنوعیت صیغه، لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه، اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۱۸- ازدواج با ثبت در دفاتر رسمی از نظر جامعه برسمیت شناخته می شود. هیچکس را نمی توان برخلاف میلش وادار به ازدواج نمود. زوجین در کلیه امور مربوط به خانواده، جدایی و تکفل فرزندان و امر وراثت از حقوق کاملاً یکسان برخوردارند.

۱۹- برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسانی است. اقدامات عاجل و فوری برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و تلاش جدی و همگانی با مسولیت دولت جهت ایجاد یک محیط سالم و ایمن برای ادامه حیات.

۲۰- اهم مطالبات کارگری:

الف- اشتغال یا بیمه بیکاری مکفی بر پایه حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال باید تأمین گردد. کارگران باید در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار بیمه باشند.

ب- حداقل دستمزد بوسیله نمایندگان سراسری کارگران تعیین میشود.

ج- اخراج کارگران توسط کارفرما ممنوع است. تصمیم نهایی در این زمینه باید با رای مجمع عمومی کارگران واحد مربوطه باشد.

د- کارخانگی به عنوان کارمزدی محسوب میشود.

ه- ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از کارفرما و دولت حق طبیعی کارگران است.

و- کولبری بعنوان نماد بردگی انسان، باید با ایجاد اشتغال و تأمین معیشت کارگران کولبر از میان برداشته شود.

قابل ذکر است که موارد مندرج در این پلاتفرم تنها شامل اهم حقوق پایه ای مردم کردستان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! آزادی، برابری، حکومت شورایی!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

دی ماه ۱۴۰۱ / ژانویه ۲۰۲۳



خاورمیانه که اسلام را لیبرالیزه کرده است معرفی کند. این مجموعه بعلاوه حزب الله در لبنان، حماس در فلسطین و بقیه جریان های اسلامی در همراهی یا در تقابل با جنگ افروزیهای قدرتهای سرمایه داری منطقه ای و جهانی یک پای اصلی بحران و جنگ و کشمکش های خونین در خاورمیانه هستند.

در جامعه ایران گستردگی خشونت علیه زنان اساسا ناشی از حاکمیت یک رژیم مستبد مذهبی است که قوانینش مبتنی بر تعالیم دین اسلام می باشند. رژیم جمهوری اسلامی رسماً و قانوناً زن ستیز است و با اعمال قوانین اسلامی بطور نهادینه شده حقوق مدنی و انسانی زنان را پایمال می کند و با سلب تمام آزادی های فردی و اجتماعی از آنان، به اعمال خشونت همه جانبه علیه زنان در جامعه و خانواده از طرف حکومت و مردان اجتماع مشروعیت بخشیده است. رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم حاکمیت خود از فرهنگ پوسیده مردسالاری در جامعه تغذیه می کند. در قوانین اسلامی زنان جزء دارایی و ملک مردان محسوب می شوند. طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی حکومت اسلامی نیز در روابط زن و شوهر مرد رئیس مطلق خانواده است. در صورت سرپیچی زن از فرمان شوهر که معمولاً با اعمال خشونت علیه زنان همراه است، در مراجع قضایی با استناد به همین قوانین زنان را محکوم می کنند. روحانیون حاکم در ایران تصویب قوانین علیه زنان را بمنزله عمل به احکام الهی قلمداد می کنند و اجرای این قوانین را برای مصالح جامعه اسلامی ضروری به حساب می آورند. چون ادعا می کنند با اعمال خشونت علیه آنها می توان جلو فساد و بی بندباری در جامعه را گرفت.

بر اساس ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی، اگر مردی همسر خودش را با مرد دیگری در یک بستر ببیند و او را بکشد، مرتکب قتل نشده و بر او هیچ گناهی نیست. در حالیکه همین حق را یک زن ندارد. ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی اعلام می دارد: دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است. یکی از مسائل مهم که به خشونت علیه زنان در سطح جامعه منجر می شود قانونی کردن حجاب اجباری برای زنان می باشد. طبق قانون مجازات اسلامی زنانی که حجاب اسلامی را در انظار عمومی رعایت نکنند به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند. قانون اساسی ایران هم حقوق زنان را در چهار چوب همین قوانین ارتجاعی و زن ستیز به رسمیت می شناسد. اینها فقط نمونه هایی از قوانین زن ستیز رژیم جمهوری

اسلامی به پیروی از تعالیم دینی هستند که همراه با فرهنگ مرد سالارانه حاکم در جامعه آسیب پذیری زنان را در برابر خشونت همه جانبه و سیستماتیک افزایش داده است. با این وصف می بینیم که در کشوری همچون ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی که چند همسری، ازدواج موقت، صیغه، جداسازیهای جنسیتی، محروم کردن زنان از حق سرپرستی فرزندان شان که سخت ترین فشارهای روانی را بر مادران تحمیل می کند، اینها و بسیاری نمونه های دیگر خشونت هایی هستند که بر اساس بندهایی از قانون و ملهم از آیات و روایاتی از آئین اسلام، بر زنان اعمال می شوند.

آیا نامد شاهو عضو انجمن رهبری پژاک می تواند مدلل کند که این قوانین زن ستیزانه جمهوری اسلامی ایران با بنیادهای فکری محمد پیامبر مسلمانان و آیات کتاب "آسمانی" آنان مغایرت اصولی دارند. نامد شاهو اظهار می دارد «مانند پژاک ما به پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه باور داریم»، اما به مضمون پیمان نامه نمی پردازد. پیمان نامه مدینه اساساً به تنظیم مناسبات مسلمانان و پیروان محمد با قبایل یهودی و دیگر قبایل غیر مسلمان که در مدینه ساکن بودند، بر متن توازن قوای آن دوره می پردازد. تازه بند نوزده پیمان نامه مدینه تأکید دارد که «مؤمنان باید انتقام خون افرادی را که در راه خدا کشته می شوند، بگیرند». و در جای دیگر همین پیمان نامه تأکید می کند که «قصاص و تلافی قتل اعدام است، مگر اینکه بازماندگان مقتول توافق کنند که خون بها را بپردازند». رژیم جمهوری اسلامی با پیروی از همین تجربه تاریخی احکام اعدام را صادر کرده و بساط اعدام را راه انداخته است. در هر حال پیمان نامه مدینه هر چه بود محصول توازن قوای بین مسلمانان و قبایل غیر مسلمان، و مناسبات اقتصادی و اجتماعی حدود ۱۴۰۰ سال قبل بوده است. نیاز به مرادفات تجاری بین قبایل مختلف ایجاب می کرد که تنش های بین این قبایل کنترل گردد. محمد به عنوان یک فرد باهوش این نیاز را در آن دوره درک کرد و پیمان مدینه پاسخی به این نیاز بود. اما ایده آلیزه کردن و توهّم به پراکتیزه کردن آن در قرن بیست و یکم فقط عقب ماندگی فکری را به نمایش می گذارد. پیامبر مسلمانان با "وحی" ها و به مرور زمان آیات قرآن را تکمیل و بندهای اسارت زنان را تحکیم نمود.

بنابراین بر خلاف نظر انجمن رهبری پژاک بحرانی که امروز سر تا پای جامعه ایران را فرا گرفته است با انحراف رژیم جمهوری اسلامی از بنیادهای فکری محمد و پیمان نامه مدینه توضیح داده نمی شود. این بحران ریشه در

اوضاع فلاکتبار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، ساختار سیاسی و ایدئولوژیک حاکم، نظام تبعیض جنسیتی و همه مصائب و بی حقوقی هایی دارد که توده های مردم برای پایان دادن به آن بپا خاستند. جنبش انقلابی جاری با پیشسازی زنان عزم کرده که پرونده حکومت مذهبی را ببندد. زنان با اقدامات نمادینی که انجام دادند، با دور انداختن و سوزاندن روسری ها، با زیر پا نهادن سیاست تفکیک جنسیتی در دانشگاهها نه تنها پایه های ایدئولوژیک حکومت دیکتاتوری خامنه ای را مورد تعرض قرار داده اند، بلکه ساز مان مجاهدین یعنی نسخه دموکراتیک حکومت اسلامی را هم با بحران روسری روبرو کردند. به دلیل در افتادن این جنبش انقلابی با نظام آپارتاید جنسیتی حاکم است که شعار "زن زندگی آزادی" به سرعت توده ای شد. با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پرونده حکومت دینی در ایران برای همیشه بسته می شود، بنابراین لازم نیست رهبری پژاک نسخه تشکیل یک حکومت اسلامی دموکراتیک دیگر را برای مردم بیچند

اما چرا رهبری پژاک در این شرایط به فکر نسخه حکومت دموکراتیک اسلامی و پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه افتاده است. هر چند این نوع موضع گیریها از جانب پژاک تازگی ندارد، اما تأکید بر این مواضع در شرایط کنونی دلایل زمینی دارد. پژاک به عنوان یک نیروی سیاسی در رقابت با حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران می خواهد کاسه داغ تر از آش شود و با تعهد به پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه سمپاتی مام وستایان دینی در کردستان را به خود جلب کند. پژاک با رویکرد پوپولیستی هنوز به جلب بقایای آن لایه های نازک جریان اصلاح طلبان حکومتی در کردستان که در توهّم اصلاح جمهوری اسلامی هستند چشم دوخته است. این اغتشاش در مواضع سیاسی پژاک ناشی از آن است که هنوز استراتژی روشنی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ندارد. این تلاش ها در تقابل آشکار با منافع جنبش انقلابی جاری و شعار زن، زندگی، آزادی دارد و محکوم به شکست است.

در نقد این نوع تلاش ها برای پیچیدن نسخه حکومت دموکراتیک اسلامی و توهّم به پراکتیزه کردن پیمان نامه مدینه در قرن بیست و یکم، سیاست کومه له مبارزه قاطع برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تأکید بر "جدائی مذهب از دولت" است. این سیاست و موضع برنامه ای کومه له علاوه بر نشان دادن مخالفت ما با مذهب بمثابه یک امر دولتی، تعهد

ما را نیز به اصل آزادی بی قید و شرط





## تقدیم به تمامی جان باختگان خیزش انقلابی مردم ایران

یکی یکی از مقابل دیدگانم می گذرند  
 نامشان همچون ستاره ای  
 در آسمان می درخشد  
 و لحظه ای بعد  
 یک چیز درخشان تر  
 در مقابل دیدگانم پدیدار می شود  
 چشمانشان،  
 که انگار دارند با من سخن می گویند  
 با اینکه من زبانم الکن است  
 آنها با آن چشمان درشت جوان  
 هزاران حرف برای گفتن دارند  
 آنها می گویند  
 دیگر در این دیار  
 هیچکس به تاریکی مطلق عادت نخواهد کرد  
 گرچه دستان مردم ما خالیست  
 دیگر هیچ رهروی نمانده است  
 که توشه ی امید را  
 در کوله بارش پنهان نکرده باشد  
 گرچه هنوز هم  
 سیلاب خون  
 در خیابانها جاریست  
 در اینجا  
 هیچ گهواره ای  
 بدون زمزمه ی آزادی و برابری نمی جنبد  
 و با این همه وحشت  
 که سایه وار مردم را دنبال می کند  
 ما زنده ایم هنوز  
 نه در خواب مردمانمان  
 بلکه در آرزوهایشان  
 و خوب می دانیم  
 از تاریکی مطلق  
 تا دمیدن سپیده  
 چیزی نمانده است.

ناهید وفایی

۱۵،۰۱،۲۳



عقیده، بیان میدارد. یعنی بر این اصل تاکید میکند که طبقه کارگر، چه بمثابه اپوزیسیون و چه بعد از بدست گرفتن قدرت سیاسی، اکیداً با توسل به جبر و زور، و تفتیش عقاید و ایجاد تبعیضات و محدودیتهای قانونی بر علیه افراد مذهبی مخالف است و برای نقد و طرد اعتقادات و نظرات مذهبی در جامعه، هیچ شیوه ای بجز مبارزه نظری، روشنگری و آموزش و اقناع را مجاز نمی شمارد. ما مذهب را، صرف نظر از آنکه از دولت مستقل باشد یا نباشد، افیون توده ها و وسیله تخدیر آنان میدانیم و اگر خواستار جدائی مذهب از دولت میشویم دقیقاً به این علت است که میخواهیم کلیه آن شیوه ها و طرق رسمی و قانونی رواج دولتی این افیون در جامعه کاملاً و اکیداً لغو شود.

از همین رو جدائی دین از دولت و تبدیل شدن مذهب به امر خصوصی انسانها یکی از شعارها و مطالباتی است که ما کمونیست ها برای آن مبارزه می کنیم، اما جدا از ما بخشی از اپوزیسیون بورژوائی هم صرف نظر از اینکه در آینده چه اندازه به آن پایبند باشند شعار جدائی دین از دولت را سر می دهند. بنابراین در تبلیغ ما علیه مذهب آنچه موضع ما را از موضع جریانات بورژوائی جدا می کند تبلیغ جدائی دین از دولت نیست، بلکه در همانحال تداوم کار روشنگری و آموزشی علیه جهل و خرافه مذهبی است که بشریت ترقیخواه تاکنون آن را پیش برده است و توضیح و تأکید بر این واقعیت که نقش سیاسی و اجتماعی مذهب در خدمت نظام طبقاتی سرمایه داری بوده است.

ما در مبارزه با مذهب هرگز به باورهای مردم بی احترامی نمی کنیم، کار ما روشنگری و توضیح با حوصله حقایق و روشن ساختن مستدل جهانی است. کمونیستی در قبال پدیده مذهب است. فعالیت و مبارزه ما علیه مذهب نه تنها نباید صف همبستگی مبارزاتی طبقه کارگر علیه سرمایه داران را تضعیف کند بلکه باید این صف طبقاتی را نیرومند تر نماید.



# JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN  
Editor: **Halmat Ahmadian** , halmatean@hotmail.com

3 February 2023 NO: **479**

## گرامیداشت روز کومه له در استکهلم (سوئد) ۱۱ فوریه و کلن (آلمان)، ۱۸ فوریه ۲۰۲۳

**گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له**



**برگزاری مراسم روز کومه له در استکهلم**

- زمان: شنبه ۱۱ فوریه ساعات ۱۸:۰۰ تا ۲۲:۰۰
- مکان: فولکتس هوس روگسود  
Rågsveds Folkets Hus  
Rågsveds Centrum
- سخنرانی: پیام کمیته مرکزی کومه له
- سرود انقلابی، شعر و فیلم کوتاه
- تماس: ۰۷۰۶۴۲۲۰۲۰

به مراسم گرامیداشت روز کومه له خوش آمدید!

**کمیته برگزاری روز کومه له**

**گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له**



**برگزاری مراسم روز کومه له در کلن آلمان**

- زمان: شنبه ۱۸ فوریه ساعت ۱۶:۳۰ تا ۲۱:۰۰
- مکان: Alte Feuerwache Köln Sara Mertin  
, Melchiorstraße 3, 50670 Köln
- سخنران: صلاح مازوجی
- پخش سرود انقلابی و شعر
- بخش دوم برنامه: سوال و جواب
- شماره تماس: ۰۰۴۹۱۷۶۴۱۵۷۹۷۳

به مراسم گرامیداشت روز کومه له خوش آمدید!

**کمیته ی برگزاری روز کومه له**

## گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له

زنی ستمدیده بر علیه قوانین مردسالاری فریاد برآورد، این زن کومه له بود.

دهقان زحمتکش برای اولین بار در اتحادیه دهقانان علیه قلداری و زورگوئی فئودال ها متحد گردید و نیرو گرفت، او هم کومه له بود.

پیشمرگی برای اولین بار لوله تفنگ خود را علیه سرمایه داران و مرتجعین محلی به کار گرفت، او هم کومه له بود.

روز ۲۶ بهمن، روز گرامیداشت همه این کومه له ها است.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران، زحمتکشان، مردم آزادیخواه کردستان!

۲۶ بهمن روز کومه له است، روز کومه له روز ارج نهادن بر بیش از چهار دهه فعالیت مخفی و علنی، استقامت و مبارزه علیه دو حکومت مستبد و دیکتاتور پادشاهی و اسلامی است.

در ۲۶ بهمن کارگران و مردم انقلابی سرود رهایی را با صدای پرطنین سر دادند، این صدا کومه له بود.

کارگری در کردستان برای اولین بار سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه خود را بر زبان آورد، این کارگر، کومه له بود.